

نگرش مردم به ازدواج موقت

خدابخش احمدی*، مصطفی براری**، فتح الله سیداسماعیلی***

مقدمه: تحقیق حاضر با هدف بررسی نگرش مردم به ازدواج موقت انجام گرفته است. روش: در این تحقیق توصیفی، ۳۹۵ نفر زن و مرد مجرد و متأهل ساکن تهران انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه نگرش‌سنجی استفاده شد. **یافته‌ها:** در بین خانواده و اقوام ۹/۱ درصد افراد سابقه ازدواج موقت وجود دارد. عمده‌ترین موانع ازدواج موقت فرهنگ جامعه، مخالفت خانواده‌ها و مخالفت همسر ذکر شد. مردان، افراد مجرد، افراد شاغل، افراد ساکن در جنوب شهر و افرادی که در خانواده و اقوام آن‌ها سابقه ازدواج موقت وجود دارد بیش از سایرین (۰/۰۱/۰) نسبت به ازدواج موقت گرایش دارند. **بحث:** علی‌رغم وجودگرایش به ازدواج موقت میزان شیوع این ازدواج در جامعه مورد بررسی کم است.

کلید واژه‌ها: ازدواج، ازدواج موقت، منعه، نکاح، نگرش
تاریخ دریافت: ۸۸/۱۱/۰۹ **تاریخ پذیرش:** ۹۰/۱۰/۰۳

* دکتر مشاوره، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج) kh- ahmady @ yahoo.com

** کارشناسی ارشد روانشناسی

*** کارشناس روانشناسی

مقدمه

با وجود این که در کشورمان ازدواج موقت هم مشروع و هم قانونی است، موافقان و مخالفانی دارد و هنوز در بین مردم رواج پیدا نکرده است. بر این اساس در طی این پژوهش محقق به دنبال پاسخ‌گویی به این سئوالات برآمده که: نوع نگرش مردم نسبت به ازدواج موقت چگونه است؟ میزان تمایل به ازدواج موقت چقدر است؟ چه کسانی بیش‌تر تمایل به ازدواج موقت دارند و افراد برای ازدواج موقت چه محدودیت‌هایی را احساس می‌کنند؟

با وجود مباحثات اجتماعی و درگیری‌های ذهنی برای مردم در زمینه ازدواج موقت، ادبیات پژوهشی در این زمینه کاملاً ناقص است. هر چند این نقص موجب تضعیف مقاله حاضر نیز می‌شود، باز محققان امیدوارند این مقاله به عنوان گام اولیه برای تداوم پژوهش در این موضوع شود. با توجه به این که این موضوع مورد علاقه بین‌المللی نیست، بر محدودیت ادبیات پژوهشی افزوده شده است. در تحقیقات کمی مرتبط به این موضوع، پدیده چند همسری است که هرچند نمی‌تواند این بحث را پوشش دهد باز تلاش می‌کنیم از این تحقیقات بهره‌گیریم. چند همسری برخلاف شیوع کم دارای تأثیر ویژه در خانواده‌ها است و در این جا منظور محققان از چند همسری چندزنی است که در آن مرد بیش از یک زن دارد. پدیده چندهمسری پدیده‌ای است که بیش‌تر در آسیای شرقی وجود دارد. بررسی‌ها نشان داده‌اند که چندهمسری بر وضعیت اجتماعی و روانشناختی همسران و فرزندان اثر می‌گذارد (Al-Krenawi, 1999). انسان شناسان پدیده چندهمسری را این گونه تعریف می‌کنند «رابطه زناشویی» که در بر گیرنده چند همسر است (Low, 1988) که در برخی از جوامع دنیا از جمله در آسیا، آفریقا، آسیای شمالی، استرالیا و آمریکای شمالی وجود دارد و در آسیا به ویژه عربستان و کویت و برخی کشورها مثل آفریقا شایع است (Hartung, 1992). برای مثال ۸ تا ۱۳ درصد بیش‌تر ازدواج‌های انجام شده در کویت چندهمسری است (Chaleby, 1985). در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، ۱۸٪ از مردان الگیا و ۳۶٪ از مردان تاگز چند همسری بودند. در بعضی جوامع چند همسری نوعی موفقیت تلقی می‌شود (white, 1988). مذهب یکی از متغیرهای مرتبط با چند همسری می‌باشد. در نیجریه ۹۸٪ از مردان چند همسری مسلمان هستند. در جوامع اسلامی نیز نظرات متفاوتی درباره چند همسری وجود دارد (Klomegh, 1997).

از آن جایی که ازدواج به عنوان مبنای شکل‌گیری نهاد خانواده، مسیر گذر افراد از جوانی به بزرگسالی و مهم‌ترین واقعه در زندگی فردی، همواره در افکار عمومی جامعه مورد توجه قرار گرفته است. ازدواج یک نهاد اجتماعی و حقوقی مهم می‌باشد که از طریق فراهم کردن مجموعه خاصی از حقوق، امتیازات، تعهدات، مسئولیت‌ها و انتظارات نقشی جدید، از روابط زناشویی حمایت می‌کند و موجب بقاء و تداوم نهاد خانواده و ساختار اجتماعی می‌شود. ازدواج به همراه ساز و کارهای تحقق و نظم و ترتیبات مرتبط با آن، یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی و زیستی است که هم متأثر از تحولات جامعه و هم تأثیرگذار بر آن می‌باشد. هم از نظر فرد، هم از دیدگاه زیستی و هم از منظر اجتماعی هیچ نهادی نیست که همانند ازدواج جهانی، ثابت و پایدار باشد. از این‌رو، هیچ نهادی نیز همانند آن تحت تأثیر دگرگونی‌های اجتماعی قرار نمی‌گیرد (احمدی، ۱۳۸۷؛ احمدی و همکاران، ۱۳۸۴؛ فتحی‌آشتیانی و احمدی، ۱۳۸۳).

نهاد ازدواج تحت تأثیر تغییرات ساختاری^۱ و فرهنگی و متأثر از جایگاه جوامع در گذار از نظم سنتی به نظم مدرن دچار تغییرات چشمگیری شده است، تا جایی که امروزه در ادبیات جامعه‌شناسی و روانشناسی خانواده موضوعاتی نظیر انتقال خانواده^۲، انتقال ازدواج^۳، و انتقال دوم جمعیت شناختی^۴ مطرح شده است. در زمینه انتقال و تغییرات ازدواج، مورگان^۵ (۱۹۹۲) تغییر ماهیت ازدواج را در قالب تغییر از مدل نهادی^۶ به مدل رابطه‌ای / معاشرتی^۷ مورد بررسی قرار می‌دهد. استون^۸ (۱۹۷۹) نیز در این خصوص معتقد است که افزایش آغازین ازدواج‌های رابطه‌ای / معاشرتی در میان طبقات اجتماعی بالا و متوسط جامعه دیده می‌شود، همچنین این افزایش با افزایش فردگرایی و آزادی فردی در انتخاب همسر همراه بوده است. بر این اساس با تغییر مدل و الگوی ازدواج، تغییرات زیادی در حوزه ازدواج، مبنا و ماهیت آن ایجاد می‌شود. در مقایسه دو مدل نهادی و

1- structural changes

2- family transition 3- marriage transition

4- second demographic Transition

5- morgan, P.

4- institutional model

7- relational / companionate model 8- stone, L.

ارتباطی می‌توان تفاوت‌های زیر را مشاهده کرد. در ازدواج به عنوان یک نهاد ویژگی‌های زیر وجود دارد: آزادی کم‌تر در انتخاب همسر، تأثیر پذیری ازدواج از الزامات شدید اجتماعی و خویشاوندی، تأکید بر ابعاد اقتصادی ازدواج مانند مالکیت و تقسیم کار جنسیتی، اهمیت بعد عمومی ازدواج، ازدواج به عنوان مجموعه‌ای از روابط و شبکه‌های اجتماعی، نابرابری نسبی در درون ازدواج و پدرسالاری، تأکید کم‌تر بر تمایلات جنسی متقابل (دو طرفه) و اهمیت رابطه جنسی برای تولید مثل و حاملگی. از سویی دیگر در ازدواج به عنوان یک رابطه ویژگی‌های زیر دیده می‌شود: آزادی بیش‌تر در انتخاب همسر، جدایی نسبی ازدواج از الزامات شدید اجتماعی و خویشاوندی، تأکید بر ابعاد عاطفی و بین فردی ازدواج، اهمیت بعد خصوصی ازدواج، ازدواج به عنوان مبنای بزرگسال قلمداد شدن فرد، برابری نسبی در درون ازدواج و همراهی، اهمیت بعد خصوصی ازدواج، تأکید مثبت بر تمایلات جنسی متقابل (دو طرفه) / اهمیت مسائل جنسی به عنوان نمادی از مسائل زندگی زناشویی (Reynolds, 1999). مکدونالد^۱ (۲۰۰۶) در قالب تئوری نوسازی بازاندیشانه^۲ معتقد است که اگر چه فرآیند نوسازی، آزادی و استقلال بیش‌تری را برای افراد به ارمغان آورده، لیکن آن‌ها را با عدم اطمینان بیش‌تری نسبت به آینده مواجه ساخته است، بنابراین تا موقعی که افراد شغل دائم و باثبات و توانایی برعهده گرفتن خانواده را نداشته باشند، ازدواج نمی‌کنند و تشکیل خانواده نخواهند داد. روث دیکسون^۳ (Dixon, 1971) نیز در بحث از الگوها و مسائل ازدواج بر اهمیت ساختار اجتماعی و تغییرات آن تأکید می‌کند و در این خصوص به سه متغیر کلیدی تأثیر گذار بر ازدواج یعنی دسترسی (قابلیت دسترسی به همسر آینده با توجه به توازن نسبت جنسی در سنین ازدواج و الگوهای انتخاب همسر)، امکان (امکان پذیری ازدواج با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی) و تمایل (مطلوبیت ازدواج با توجه به هنجارها و فشارهای اجتماعی و انگیزه‌های فردی) اشاره می‌کند.

1- mcdonald, P.

2- reflexive modernization

3- ruth dixon

علی‌رغم اهمیت رویکرد نوسازی در تبیین تحولات ازدواج و خانواده، مطالعات مختلف به ویژه در جوامع آسیایی نشان می‌دهد که چارچوب نوسازی و تغییرات ساختاری مرتبط با آن برای درک و تبیین فرآیند ازدواج کافی نیست. و در این زمینه بایستی نقش عوامل ارزشی و فرهنگی را نیز در نظر گرفت. تئوری‌های با رویکرد ارزشی فرهنگی بر تغییرات فرهنگی و ارزشی جامعه و ماهیت نو و ابداعی بودن ایده‌ها و نگرش‌ها تأکید دارند. در چارچوب این تئوری و برای تبیین تحولات جمعیتی از جمله ازدواج و خانواده، کالدول^۱ (۱۹۸۲) بر گسترش ایده‌ها و ارزش‌های غربی در سایر جوامع، لستهاق^۲ (Lesthaeghe, 1983) بر تغییر نظامی معنایی و افزایش فردگرایی سکولار^۳ در کشورهای اروپایی غربی، منچ^۴ و همکاران (۲۰۰۵) بر تغییرات سریع در نظام‌های ارزشی جوامع آسیایی، کاسترلین^۵ (Casterline, 2001) بر نوآوری رفتاری، تغییر ایده‌ها و دینامیک اجتماعی اشاعه، تورنتون^۶ (Thornton, 2001) تورنتون و همکاران (۲۰۰۴) بر آرامان‌گرایی توسعه تأکید^۷ داشته‌اند.

با توجه به نظریه‌های مطرح شده و واقعیت‌های موجود در ازدواج، یعنی دشواری در الگوهای سنی انتخاب همسر و امکان پذیری ازدواج با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی و مطلوبیت ازدواج با توجه به هنجارها و فشارهای اجتماعی و انگیزه‌های فردی و در نتیجه وجود فاصله زیاد بین بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی اجتماعی جوانان و به دنبال آن به خطر افتادن بهداشت و سلامت جنسی آن‌ها و وجود شرایط ویژه‌ای که امکان ازدواج و همراه بودن همسر ممکن نیست، ازدواج موقت به عنوان حل مسئله و راهکار در جامعه ایران مطرح شده است. همچنین جلوگیری از گناه و فساد، ارضای غرایز جنسی، مقدمه‌ای برای ازدواج دائم، آرامش روحی و فکری و فراهم نبودن امکانات لازم برای ازدواج دائم از عمده‌ترین دلایل مطرح شدن این راهکار بوده است. با این استدلال‌ها دولت و

1- Caldwell, J. 2- Lesthaeghe, r. 3- secular individualism 4- Barbara Mensch
5- Casterline, J. 6- Thornton, a. 7- developmental idealism

سیاست‌گذاران نظام در سال‌های اخیر با دادن مجوز برای ایجاد دفاتر ثبت ازدواج موقت، تبلیغات رسانه‌ای و راه‌اندازی سایت‌های مختلف اینترنتی به گسترش و تشویق ازدواج موقت به عنوان حل مسئله ازدواج جوانان پرداخته شده است.

بنابراین ازدواج موقت با هدف پیشگیری از آلودگی‌ها، هرج و مرج جنسی، محرومیت جنسی و کاهش فشار ناشی از آن و به ویژه برای کسانی که به ناچار مجبورند مدت‌ها دور از همسر خود باشند مطرح شده است. استناد مشروع بودن ازدواج موقت به آیه ۲۴ سوره نساء از قرآن است. در این آیه آمده است: پرداخت مهریه آن زنانی که با آنان ازدواج موقت می‌کنید بر شما واجب است، و ایرادی نیست بر شما که بعد از تعیین مهر هم به چیزی با هم تراضی کنید، البته خدا دانا و به حقایق امور عالم آگاه است. ازدواج موقت با ازدواج دائم در زمینه‌های تعداد زنانی که می‌توانند به عقد موقت مرد درآیند، تعیین مدت ازدواج، قابلیت و سهولت در فسخ و انحلال ازدواج از سوی طرفین، عده کوتاه مدت، ضرورت ذکر مهر و نداشتن تعهد نفقه تفاوت‌هایی دارد. (جهانگیری، ۱۳۸۸). با وجود این که ازدواج موقت در ایران هم مشروع و هم قانونی است، دارای موافقان و مخالفانی دارد و هنوز در بین مردم رواج ندارد. بر این اساس هدف این مقاله شناخت نوع نگرش مردم نسبت به ازدواج موقت می‌باشد.

روش

تحقیق به روش توصیفی انجام شد و در آن طرز نگرش مردم نسبت به ازدواج موقت مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری تحقیق ساکنین شهر تهران بود. تعداد ۴۰۰ نفر بر حسب توزیع جغرافیایی از مناطق مختلف جغرافیایی شهر (شمال شهر، مرکز شهر، جنوب شهر و حومه شهر) انتخاب شدند، تعداد ۵ مورد پرسش‌نامه به دلیل مخدوش بودن حذف و ۳۹۵ پرسش‌نامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسش‌نامه استفاده شد. پرسش‌نامه مورد استفاده دارای ۳۰ ماده نگرش‌سنجی بود. این مواد در شش محور در ارتباط با ازدواج موقت تدوین شده بود. محورهای پرسش‌نامه عبارت بودند از:

اثرات خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و بین‌المللی ازدواج موقت، ارضای نیازهای جنسی و ابعاد مذهبی ازدواج موقت. همچنین پرسش‌نامه جمع‌آوری اطلاعات شامل اطلاعات دموگرافیک، وضعیت و سابقه ازدواج موقت در خانواده و اقوام، محدودیت‌های ازدواج موقت، تمایل به ازدواج موقت و میزان آشنایی با قوانین ازدواج موقت بود. هر یک از محورهای پرسش‌نامه اصلی شامل ۵ ماده نگرش بود. با توجه به این که محققان هیچ سابقه پژوهشی یا ابزار معتبر در این زمینه پیدا نکردند، نسبت به تهیه ابزار اقدام نمودند. برای تهیه ابزار ضمن مصاحبه با ۶ نفر از زنان و مردان اقدام کننده به ازدواج موقت و ۱۰ نفر از زنان و مردان مجرد و متأهل عادی مواد اولیه پرسش‌نامه آماده شد و سپس با اعمال نظرات ۸ تن از اساتید در این زمینه به تأیید رسید. پس از آن روی ۳۰ نفر از زنان و مردان اجرا و ضمن شناخت و رفع اشکالات محتوایی و اجرایی مشخصه‌های آماری برای بررسی روایی پرسش‌نامه انجام شد. براساس این، میزان همسانی درونی پرسش‌نامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ $0/932$ به دست آمد و با استفاده از روش دو نیمه‌کردن $0/89$ به دست آمد. با توجه به این که پرسش‌نامه مورد استفاده یک فرم نگرش‌سنجی در مورد مقوله‌های مشخصی بود، و در این زمینه روایی محتوایی مهم‌تر از سایر مشخصه‌های روان‌سنجی می‌باشد لذا پرسش‌نامه پس از تأیید روایی صوری و محتوایی مورد استفاده قرار گرفت. نمونه سئوالات برای هر یک از محورهای پرسش‌نامه به شرح زیر بودند: اثرات فرهنگی ازدواج موقت (ازدواج موقت از مصادیق ارتقاء فرهنگی جامعه است)، اثرات خانوادگی ازدواج موقت (ازدواج موقت می‌تواند زمینه‌ساز ازدواج دائم شود)، اثرات اجتماعی ازدواج موقت (ازدواج موقت موجب کاهش تجاوز به عنف نسبت به زنان می‌شود)، ازدواج موقت روشی مناسب برای ارضای جنسی (ازدواج موقت روشی برای جلوگیری از انحراف جنسی جوانان است یا ازدواج موقت راهی مشروع و قانونی برای آزادی جنسی است). اثرات بین‌المللی ازدواج موقت (ترویج ازدواج موقت می‌تواند به الگوی جهانی و بین‌المللی تبدیل شود یا ترویج ازدواج موقت در کشور می‌تواند موجب

کاهش جایگاه کشور در بین سایر ملل شود). پاسخ به سئوالات به صورت ۵گزینه‌ای و در مقیاس لیکرت تنظیم شده بود و گزینه‌ها عبارت بودند از: خیلی موافقم، موافقم، نه موافقم و نه مخالف، مخالف، و خیلی مخالفم. داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی (فراوانی، درصد و میانگین) و روش‌های تحلیلی از قبیل آزمون t و تحلیل واریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج

داده‌های حاصل از بررسی ویژگی‌های دموگرافیک جمعیت مورد بررسی نشان داد که از مجموع ۳۹۵ نفر از افراد مورد بررسی ۵۰/۴ درصد مرد، ۴۹/۴ درصد زن، ۵۱/۹ درصد متأهل، ۴۸/۱ درصد مجرد بودند. از نظر وضع تحصیلی حدود ۸۰ درصد دیپلم و لیسانس بودند، ۳۳/۷ درصد محصل، ۲۸/۱ درصد کارمند، ۱۷/۲ درصد در شغل آزاد و ۱۵/۷ درصد خانه‌دار بودند. از نظر موقعیت جغرافیایی محل سکونت، ۲۱ درصد در شمال شهر، ۴۷/۳ درصد در جنوب شهر، ۲۹/۴ درصد در مرکز شهر و ۲/۳ درصد در حاشیه شهر (شهرکها) سکونت داشتند و از نظر وضع اقتصادی ۶۲/۵ درصد وضعیت متوسط، ۲۵/۶ درصد خوب و ۱۲ درصد ضعیف بودند (جدول ۱).

جدول ۱- ویژگی‌های دموگرافیک جمعیت مورد بررسی

عامل	سطح	فراوانی	درصد
نوع جنس	زن	۱۹۵	۴۹/۴
	مرد	۲۰۰	۵۰/۴
وضع تأهل	مجرد	۲۰۵	۵۱/۹
	متأهل	۱۹۰	۴۸/۱
سطح تحصیلات	زیر دیپلم	۵۰	۱۲/۷
	دیپلم	۱۴۸	۳۷/۵

درصد	فراوانی	سطح	عامل
۴۲/۸	۱۶۹	فوق دیپلم و لیسانس	
۵/۶	۲۲	فوق لیسانس و بالاتر	
۱/۵	۶	مشخص نشده	
۳۳/۷	۱۳۳	مشغول به تحصیل	نوع شغل
۱۵/۷	۶۲	خانه دار	
۲۸/۱	۱۱۱	کارمند	
۱۷/۲	۶۸	شغل آزاد	
۵/۳	۲۱	مشخص نشده	
۲۱	۸۳	شمال شهر	موقعیت جغرافیایی محل سکونت
۴۷/۳	۱۸۶	جنوب شهر	
۲۹/۴	۱۱۶	مرکز شهر	
۲/۳	۹	حاشیه شهر	
۱۲	۴۶	ضعیف	وضع اقتصادی
۶۲/۵	۲۴۷	متوسط	
۲۵/۶	۶۱	خوب	

نتایج توصیفی وضعیت ازدواج موقت در بین جمعیت مورد بررسی نشان داد که در خانواده و اقوام ۹/۱ درصد از جمعیت مورد بررسی سابقه ازدواج موقت وجود دارد که حدود ۳/۸ درصد آن مربوط به خانواده اصلی می باشد. حدود ۲۵ درصد از جمعیت مورد بررسی برای ازدواج موقت اعلام آمادگی کرده اند، این در حالی است که حدود ۵۰ درصد از جمعیت نسبت به قوانین ازدواج موقت اظهار بی اطلاعی کرده و فقط ۱۵ درصد اظهار کرده اند که نسبت به این قوانین آگاهی مناسبی دارند. همچنین جمعیت مورد بررسی مهم ترین موانع ازدواج موقت را به ترتیب فرهنگ جامعه (۳۳/۴ درصد)، مخالفت خانواده ها (۱۸/۵ درصد)، مخالفت عقلایی (۱۶/۵ درصد) و مخالفت همسر (۱۳/۷ درصد) ذکر کرده اند (جدول ۲).

جدول ۲- اطلاعات توصیفی در زمینه وضعیت ازدواج موقت در جمعیت مورد بررسی

درصد	فراوانی	سطح	متغیر
۹/۱	۳۵	دارد	وجود سابقه ازدواج موقت در خانواده و اقوام (خانواده اصلی والدین بزرگ و خانواده عمو، دایی، خاله و عمه)
۹۰/۹	۳۵۹	ندارد	
۳/۸	۱۵	دارد	وجود سابقه ازدواج موقت در خانواده اصلی
۹۶/۲	۳۸۰	ندارد	
۲۵	۹۹	دارد	داشتن آمادگی برای ازدواج موقت
۷۵	۲۹۶	ندارد	
۲۳/۳	۹۲	اصلاً	میزان آگاهی از قوانین ازدواج موقت
۲۷/۸	۱۱۰	کم	
۳۳/۹	۱۳۴	متوسط	
۱۲/۷	۵۰	زیاد	
۲/۳	۹	خیلی زیاد	
۳۳/۴	۱۳۲	فرهنگ جامعه	مهم ترین موانع ترویج ازدواج موقت
۱۳/۷	۵۴	مخالفت همسر	
۱۸/۵	۷۳	مخالفت خانواده	
۱۰/۴	۴۱	نقص قوانین حمایتی	
۴/۱	۱۶	مخالفت مذهب	
۱۶/۵	۶۵	مخالفت عقل	
۳/۵	۱۴	سایر	

از بین ۳۰ عبارت نگرشی در مورد ازدواج موقت، بیشترین نمرات مربوط به مواردی از این قبیل بود که: ازدواج مجدد راهی برای جلوگیری از روابط پنهان و نامشروع جوانان است (۳/۲۹)، ازدواج موقت یک راه شرعی، اسلامی و مجاز است (۳/۱۳)، موجب کاهش ناامنی و تجاوز به عنف نسبت به زنان می شود (۳/۰۸)، موجب جلوگیری از انحراف جنسی

جوانان می‌شود (۲/۹۹)، راهی برای جلوگیری از فحشاء است (۲/۹۸)، می‌تواند زمینه ساز ازدواج دائمی شود (۲/۹۶)، روشی جامعه پسند برای ارضای غریزه جنسی است (۲/۹۰) و یک الگوی مناسب در ازدواج است (۲/۷۴) (جدول ۳).

جدول ۳- میانگین نمرات و رتبه‌بندی هر یک از مواد نگرش نسبت به ازدواج موقت

ردیف	عبارات	میانگین
۱	ازدواج مجدد راهی برای جلوگیری از روابط پنهان و نامشروع جوانان است	۳/۲۹
۲	ازدواج موقت یک راه شرعی، اسلامی و مجاز است	۳/۱۳
۳	ازدواج موقت موجب کاهش ناامنی و تجاوز به عفت نسبت به زنان می‌شود	۳/۰۸
۴	ازدواج موقت روشی برای جلوگیری از انحراف جنسی جوانان می‌باشد	۲/۹۹
۵	ازدواج موقت بهترین راه برای جلوگیری از اقدامات حرام (فحشاء) در جامعه است	۲/۹۸
۶	ازدواج موقت می‌تواند زمینه ساز ازدواج دائمی شود	۲/۹۶
۷	ازدواج موقت موجب می‌شود تا غریزه جنسی به شیوه مطلوب و جامعه پسند ارضاء شود	۲/۹۰
۸	ترویج ازدواج موقت در ایران موجب ارائه الگوی مناسب در جهان می‌شود	۲/۷۴

۱= خیلی مخالفم ۲= مخالفم ۳= نه موافقم نه مخالفم ۴= موافقم ۵= خیلی موافقم

مقایسه طرز نگرش نسبت به ازدواج موقت در بین گروه‌های جمعیتی نشان داد که مردان به طور معنی داری ($P \leq 0/01$) بیش از زنان، افراد مجرد بیش از افراد متأهل (معنی دار در سطح $P \leq 0/01$)، افراد شاغل به کار بیش از افراد شاغل به تحصیل و خانه دار، افراد ساکن در جنوب شهر بیش از افراد ساکن در سایر مناطق جغرافیایی شهر و همچنین افرادی که در خانواده و اقوام آنها سابقه ازدواج موقت وجود دارد بیش از سایرین نسبت به ازدواج موقت گرایش دارند. (موارد مذکور در سطح $P \leq 0/05$ معنی دار بودند). از سویی دیگر ملاحظه شد که وضع اقتصادی افراد در طرز نگرش آنها نسبت به ازدواج موقت تأثیری ندارد و این مقایسه در سطح $P \leq 0/05$ معنی دار نبود (جدول ۴).

جدول ۴- مقایسه طرز نگرش نسبت به ازدواج موقت بر حسب متغیرهای جمعیت شناختی

متغیر	گروه‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	میزان F/t	سطح معنی داری	جایگاه تفاوت
نوع جنس	زن	۲/۲۸	۰/۵۰	-۱۰/۷۲	۰/۰۰۰۱	۲ > ۱
	مرد	۲/۸۷	۰/۵۸			
وضع تأهل	مجرد	۲/۶۷	۰/۶۴	۲/۹۹	۰/۰۰۳	۱ > ۲
	متاهل	۲/۴۸	۰/۵۸			
تحصیلات	زیر دیپلم	۲/۵۰	۰/۶۴	۰/۴۳	۰/۷۳	-
	دیپلم	۲/۵۷	۰/۵۸			
	فوق دیپلم و لیسانس	۲/۵۸	۰/۶۵			
	فوق لیسانس و بالاتر	۲/۶۸	۰/۵۸			
نوع شغل	مشغول به تحصیل	۲/۵۶	۰/۶۵	۱۰/۰۷	۰/۰۰۰۱	۲ > ۱ و ۳ و ۴ ۴ > ۱
	خانه دار	۲/۲۲	۰/۴۵			
	کارمند	۲/۶۵	۰/۶۱			
	آزاد	۲/۷۶	۰/۵۵			
موقعیت جغرافیایی محل سکونت	شمال شهر	۲/۴۹	۰/۶۱	۴/۰۴	۰/۰۰۸	۱ و ۳ و ۴ > ۲
	جنوب شهر	۲/۶۷	۰/۶۴			
	مرکز شهر	۲/۴۸	۰/۵۷			
	حومه شهر	۲/۱۷	۰/۵۴			
وضع اقتصادی	ضعیف	۲/۶۴	۰/۶۴	۱/۴۳	۰/۲۴	-
	متوسط	۲/۶۱	۰/۶۲			
	خوب	۲/۴۹	۰/۶۱			
سابقه ازدواج موقت در خانواده	دارد	۲/۸۹	۰/۴۳	۱/۹۲	۰/۰۵	۱ > ۲
	ندارد	۲/۵۶	۰/۶۲			
سابقه ازدواج موقت در اقوام	دارد	۲/۶۴	۰/۶۹	۲/۰۱	۰/۰۴	۱ > ۲
	ندارد	۲/۳۸	۰/۶۸			
تمایل به ازدواج موقت	دارد	۳/۳۷	۰/۴۷	۱۱/۰۷	۰/۰۰۰۱	۱ > ۲
	ندارد	۲/۴۸	۰/۵۳			

بررسی رتبه‌ای شش بعد نگرش نسبت به ازدواج موقت نشان داد که ابعاد مذهبی ازدواج بالاترین نمره را دارد (۲/۹۰)، پس از آن به ترتیب اثرات بازدارندگی از آسیب‌های اجتماعی (۲/۶۷) و روشی مناسب برای ارضای نیازهای جنسی (۲/۶۲)، قرار دارد. تفاوت بین تمامی ابعاد به جز اثرات بازدارندگی و ارضای مناسب نیازهای جنسی در سطح $P \leq 0/01$ معنی‌دار بود (جدول ۵).

جدول ۵- رتبه‌بندی مقیاس‌های فرعی در نگرش به ازدواج موقت

رتبه	عوامل	میانگین
۱	ابعاد مذهبی ازدواج موقت	۲/۹۰
۲	بازداری از آسیب‌های اجتماعی	۲/۶۷
۳	ارضای مناسب نیازهای جنسی	۲/۶۲
۴	اثرات مثبت بین‌المللی	۲/۵۶
۵	اثرات مثبت فرهنگی	۲/۴۱
۶	اثرات مثبت خانوادگی	۲/۳۲

به جز بین رتبه دوم و سوم، در سایر موارد تفاوت در سطح $P \leq 0/01$ معنی‌دار می‌باشد.

بحث

علی‌رغم این که ۲۵ درصد از جمعیت مورد بررسی گرایش به ازدواج موقت دارند ولی می‌توان گفت که میزان شیوع این ازدواج در جامعه مورد بررسی احتمالاً حدود ۹ درصد باشد. دلایل توسعه و گسترش کم این نوع ازدواج موانعی است که در جامعه وجود دارد و مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از موانع فرهنگی و خانواده. چند همسر که در برخی از جوامع وجود دارد (Hartung, 1992) گزارش شده که در حدود ۸ تا ۱۳ درصد ازدواج‌های انجام شده در کویت (Chaleby, 1985)، ۱۸٪ در الجزایر و ۳۶٪ را تشکیل می‌دهد (white, 1988). مذهب یکی از متغیرهای مرتبط با چند همسری است و بیش‌تر این نوع ازدواج در بین مسلمانان رواج

دارد، ضمن این که در جوامع اسلامی نیز نظرات متفاوتی دربارهٔ چند همسری وجود دارد (Klomegah, 1997). البته در کشور ایران آمار رسمی در مورد شیوع ازدواج موقت یا چندهمسری وجود ندارد. محدودیت‌های آن است که موجب انجام مخفیانه شده است. با وجود ویژگی‌هایی که این نوع ازدواج دارد و می‌تواند موجب کاهش ناامنی جنسی، تجاوز جنسی و روابط نامشروع شود و آسیب‌های اجتماعی از جمله فحشاء را در جامعه کاهش دهد، می‌تواند مقدمه‌ای برای ازدواج دائم شود و برای کسانی که نمی‌توانند ازدواج دائم داشته باشند کمک کند و مهم‌تر از آن تأییدیهٔ مذهبی در این زمینه وجود دارد، این نوع از ازدواج در کشور کم‌تر ترویج شده است و عموماً به صورت پنهانی انجام می‌شود و موانع فرهنگی و خانوادگی از سوی حدود ۷۰ درصد ابراز شده است. ازدواج به عنوان یک رخداد مهم در زندگی همواره با محدودیت‌هایی مواجه است. اگر برای ازدواج دایمی یک پسر و دختر جوان مواردی همچون نگرانی از آینده، مخالفت خانواده اصلی یا نگرانی از انتخاب شایسته به عنوان محدودیت مطرح شده (فتحی‌آشتیانی و احمدی، ۱۳۷۸)، یا برای ازدواج مجدد عواملی از قبیل وفاداری به ازدواج قبلی، نگرانی از آیندهٔ فرزندان یا ترس و نگرانی از سازگاری با همسر جدید مطرح شده (Ahmadi, 2007)، ولی محدودیت‌های ازدواج چندهمسری ممکن است جدی‌تر باشد. تحقیقات نشان داده است که میزان رضایت زناشویی بین زن و مرد در ازدواج چندهمسری پایین‌تر است. نکته این است که اولاً هم زن و هم مرد در ازدواج چندهمسری آسیب می‌بینند و رضایت زناشویی هر دو آن‌ها نسبت به زن و مرد ازدواج تک همسری پایین‌تر است. ثانیاً میزان آسیب در زنان ازدواج چندهمسری بیش‌تر از مردان در ازدواج چندهمسری است. ثالثاً در مقیاس‌های تحریف و برابری نقش‌ها نتایج متفاوتی به دست آمده است. شاید یکی از گره‌های اصلی در گرایش چند همسری از سوی مردان موضوع تحریف متقابل و موضوع نقش‌های جنسیتی باشد (نوابی‌نژاد، ۱۳۷۹) که نیازمند پژوهش‌های گسترده‌تری است. تحقیقات دیگران نیز حکایت از وجود آسیب در خانواده‌های چند همسری است. انواع مشکلات روانشناختی با پدیدهٔ چند همسری مرتبط هستند. میزان تعارض‌های زناشویی در خانواده‌های چندهمسری بیش‌تر است و نیز مشکلات زناشویی و تعارضات آن تأثیر مستقیمی

روی سلامت روان فرزندان دارد (Elbedour,2000). در میان فرزندان چند همسری، شایستگی اجتماعی کم‌تر، کمبود احساس امنیت (Davies,1996) افت تحصیلی (Emery,1982) مشکلات رفتاری و پرخاشگری (Cummings,1984) واکنش‌های خشونت‌آمیز (Katz,1993) و اختلالات شبه جسمی (El-sheikh,1994, Epstein,1983) بیش‌تر گزارش شده است. احتمال دارد تعارضات زناشویی بین والدین آن‌ها را به عنوان یک والد مقتدر نشان ندهد (Engfer,1988) و بنابراین ممکن است بر ارتباط بین فرزندان و والدین اثر سوء بگذارد. البته زنان بدون فرزند بیش‌تر احتمال دارد که به عنوان چندهمسری انتخاب شوند (Gage-Brandon,1992). ازدواج‌های چندهمسری نسبت به تک همسری احتمال بیش‌تری دارد که تحت تأثیر تعارض‌های زناشویی و حسادت و بحران قرار گیرند (Achte,1980). در چنین شرایطی احتمال بیش‌تری وجود دارد که مادران و فرزندان آن‌ها دچار مشکلات روان شناختی شوند (آل ایسا، ۱۹۹۵). اغلب این زنان ناراحت و غمگین هستند و دچار استرس می‌شوند، که ممکن است به صورت تروما یا تجارب سوءاستفاده بروز پیدا کند (Hassouneh-philips,2001). اگر ارتباط بین چند همسر خوب برقرار شود، بچه‌ها دچار تعارض دو سویه نیز می‌شوند. بنابراین حسادت و رقابت بین چند همسری‌ها و فرزندان‌شان امری متداول است (Al-Krenawi,2008). همچنین چندهمسری باعث کاهش ارزش و شأن زنان و نیز مشکلات روان شناختی برای آن‌ها و پایین آمدن عزت نفس آن‌ها می‌شود. زنان در ازدواج‌های چند همسری بیش‌ترین میزان اختلالات روان شناختی را نشان دادند که اختلال‌های جسمانی‌کردن، حسادت در روابط بین فردی، افسردگی، اضطراب، فوبی، پارانوئید و سایکوز از جمله آن‌ها بود. این علائم ممکن است با عوامل اقتصادی و شیوه‌های ارتباط با فرزندان و همسر و مشکلات دیگر خانواده مرتبط شوند (Racy,1980). البته لازم به توجه است که در ازدواج‌های چندهمسری میزان رضایت زناشویی به میزان حمایت‌های همسر نیز وابسته است (Elbedour,2002) و آموزش در پذیرش پدیده چندهمسری مؤثر می‌باشد (Heaton,1999؛ Nevadomsky,1991؛ Maziak,2002: 1419-1427). زنان تک همسری وضعیت اقتصادی بهتری در مقایسه با زنان چندهمسری دارند. یکی از عوامل وابسته به این امر، تعداد اعضای خانواده است. در خانواده‌های چندهمسری تعداد فرزندان بیش‌تر از خانواده‌های تک همسری است. البته چندهمسری با توانگری مالی نیز رابطه همبستگی دارد (لاگود، ۱۹۸۶). هر چند ازدواج موقت

نیز نوعی ازدواج چندهمسری است ولی معمولاً در عرف عمومی چندهمسری به ازدواج‌های دائمی اطلاق می‌شود. به‌خاطر وجود شرایط سهل‌تر در ازدواج‌های موقت انتظار می‌رود پذیرش و گرایش عمومی به انجام آن بیش‌تر باشد ولی محدودیت‌های آن حداقل کم‌تر از محدودیت‌های چندهمسری نیست. شاید بخشی از محدودیت‌های موجود در ترویج ازدواج موقت شیوه عمل به آن در سال‌های گذشته باشد که صرفاً منافع مردان را دنبال کرده است. شاید به همین دلیل است که مطابق نتایج پژوهش حاضر مردان بیش‌تر از زنان به ازدواج موقت گرایش و نگرش مثبت دارند. می‌توان گفت که وضعیت موجود ازدواج موقت بیش‌تر به نفع مردان است تا بتواند تنوع طلبی جنسی خود را ارضاء کند یا اگر هایپر سکس هستند و همسرشان جوابگوی نیازهای جنسی آن‌ها نیست، نیازهایشان را رفع کنند یا در مواقعی که از همسرشان دور شده‌اند، در مأموریت به سر می‌برند و... بتوانند از انحراف جنسی جلوگیری کنند و نیازهای خود را از نظر جنسی از راه مشروع و قانونی ارضاء نمایند. البته زنان نیز می‌توانند از ازدواج موقت سود ببرند. هر چند صدور مجوز ازدواج موقت برای دختران از سوی خانواده بسیار سخت و شاید در بسیاری از موارد غیر ممکن به نظر می‌رسد ولی برای زنانی که به دلایل فوت همسر، بالا بودن سن، طلاق و یا علل دیگر امکان یا فرصت ازدواج دائم ندارند، ازدواج موقت فرصت مناسبی برای آن‌ها خواهد بود تا نیازهای خود را از نظر داشتن همسر رفع نمایند. از سویی دیگر ملاحظه شد که افراد مجرد بیش‌تر از افراد متأهل نسبت به ازدواج موقت گرایش و نگرش مثبت دارند. این یافته در چند بعد قابل بررسی است. اولاً زنان متأهل که یک چهارم جمعیت نمونه تحقیق را تشکیل داده‌اند دیگر امکان ازدواج موقت ندارند و از سویی دیگر زنان نسبت به ازدواج موقت کم‌تر نگرش مثبت نشان می‌دهند، ثانیاً مردان متأهل با توجه به داشتن همسر و فرزند هم نیاز کمی برای ازدواج موقت دارند و هم موانع جدی برای این کار دارند و ازدواج موقت برای آنان می‌تواند تهدیدی برای ازدواج قبلی و دائمی شان باشد. ثالثاً سن ازدواج در جامعه رو به افزایش است. در حال حاضر بیش‌تر جوانان قبل از ۲۵ سالگی

امکان ازدواج ندارند، یا مشغول تحصیل هستند و یا از نظر اقتصادی یا اشتغال با محدودیت مواجهند در حالی که حداقل از سن ۱۵ سالگی به بلوغ جنسی رسیده‌اند. تحمل حداقل ۱۰ سال محرومیت جنسی سخت و اقدام به ارتباط جنسی خارج از ازدواج نیز با مشکلات قانونی، شرعی و خانوادگی مواجه است و لذا ازدواج موقت می‌تواند یک راه خوب برای ارضای جنسی، رفع نیازها و کاهش مشکلات جنسی برای آن‌ها باشد تا زمانی که فرصت و امکان ازدواج دائم را به دست آورند. ضمن این که انتخاب همسر دائمی مناسب در شرایط متغیر و پیچیده فعلی با سختی‌هایی مواجه است و ازدواج موقت می‌تواند یک روش آزمایش یا یک زندگی آزمایشی بین دو نفر باشد که به صورت قانونی و مشروع با همدیگر باشند و چنان چه پس از طی این دوره آزمایشی همدیگر را برای ازدواج دائمی مناسب تشخیص دادند نسبت به آن اقدام کنند و این روش می‌تواند حتی بر کاهش طلاق به ویژه در سال‌های اول ازدواج که معمولاً از نظر آماری برافراشتگی فراوانی دارد کمک کند. نتایج حاصل از پژوهش نیز این استدلال‌ها را تأیید می‌کند برای مثال ساکنین در مناطق جنوبی شهر که از قشرهای متوسط و عمدتاً ضعیف از نظر اقتصادی ترکیب یافته‌اند بیش‌تر گرایش یا نگرش مثبت نسبت به ازدواج موقت نشان دادند. البته این یافته دلیل دیگری نیز می‌تواند داشته باشد و آن این که افراد ساکن در شمال شهر که از موقعیت اقتصادی بالایی نیز برخوردار هستند شاید کم‌تر نسبت به ارزش‌های مشروع و قانونی توجه نشان دهند و بخواهند نیازهای جنسی خود را از طریق راه‌های غیر مشروع و آزادانه‌تر مرتفع نمایند.

نکته پایانی این که بیش‌تر افراد به دلیل تأییدیه مذهبی ازدواج موقت آن را تأیید می‌کنند چرا که مردم ایران پایبندی بیش‌تری به معیارها و ارزش‌های مذهب نشان می‌دهند. شاید روش یا نوع دیگر ازدواج که مشروعیت مذهبی نداشت اصلاً مورد توجه مردم قرار نمی‌گرفت برای مثال روابط آزاد جنسی که در برخی از کشورها رایج است در بین مردم کشور ایران بسیار محدود و در مقایسه با کشورهای دیگر ناچیز است. البته محدودیت‌های

قانونی نیز در این زمینه وجود دارد. سایر ابعاد نگرش ازدواج موقت که بالاترین نمرات را دارند و نمره نظر افراد بیش از میانگین است عبارتند از: عامل بازدارندگی از آسیب‌های اجتماعی، عامل ارضای مناسب نیازهای جنسی و اثراتی که می‌تواند به عنوان الگویی مناسب برای سایر جوامع باشد.

نتیجه‌گیری

به هر حال ما معتقدیم که ازدواج موقت اگر مورد سوءاستفاده واقع نشود، پاسخ‌گوی قسمتی از ضرورت‌های اجتماعی در مورد جوانانی است که قادر به ازدواج دائم نیستند، یا مسافرانی که به دلایل گوناگون مدتی از همسر خود دور می‌مانند. البته ازدواج موقت باید به شکلی باشد که آثار تخریبی بر خانواده و جامعه نگذارد و در بین مردم فرهنگسازی شود.

- قرآن مجید، سوره نساء، آیه ۲۴
- احمدی، خدابخش. آزاد مرزآبادی، اسفندیار. ملازمانی، علی. (۱۳۸۴). بررسی وضعیت ازدواج و سازگاری زناشویی در بین کارکنان سپاه، *مجله طب نظامی*؛ ۷(۲): ۱۴۱-۱۵۲.
- احمدی، خدابخش. (۱۳۸۷). *بهداشت روانی خانواده*. مرکز تالیف کتابهای درسی، تهران، ایران.
- فتحی آشتیانی، علی. احمدی، خدابخش. (۱۳۸۳). بررسی ازدواج‌های موفق و ناموفق در بین دانشجویان، *مجله دانشور رفتار*؛ ۱۱(۷): ۹-۱۶.
- فتحی آشتیانی، علی. احمدی، خدابخش. (۱۳۷۸). بررسی عوامل محدودکننده و موانع موجود در ازدواج دانشجویان، *مجله روانشناسی*؛ سال سوم، شماره ۲: ۱۲۱-۱۳۳.
- جهانگیری، منصور. (۱۳۸۸). *قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران*، مواد: ۱۰۷۵، ۱۱۲۳، ۱۱۵۴، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۱۳. نشر دوران. تهران
- نوایی‌نژاد، شکوه. (۱۳۷۹) *روانشناسی زن*، انتشارات جامعه ایرانیان.
- Achte, K. & Schakit, T. (1980) Jealousy in various cultures in the light of transactional psychiatry. **Psychiatry Fennec**, 11, 33-34.
- Ahmadi, K. , Ashtiani, A. -F. , Mirzamani, S. -M. , Arabnia, A. -R. (2007)The effect of remarriage on mental health of widows of the killed-in-action versus other widows, **Journal of Divorce and Remarriage** , 48 (1-2), pp. 141-154.
- Al-Iissa , I. (1995) Handbook of Culture and Mental Illness: An International Perspectiv. Madison, CT: **International Universities Press**.
- Al-Krenawi , A. Graham, J. R. (1999) The story of Bedouin-Arab women in a polygamous marriage. **Women Studies International Forum**, 22, 497-509.
- Al-Krenawi A, Slonim-Nevo V (2008) The psychosocial profile of Bedouin Arab women living in polygamous and monogamous marriages. **J Contemp Soc Services** 89 (1)
- Caldwell, J. (1982) **Theory of Fertility Decline**. London: Academic Press.
- Casterline, J B. (2001) Diffusion Processes and Fertility Transition: Introduction, in National Research Council, Diffusion Processes and Fertility Transition: Selected Perspective, Washington D. C: **National Academy Press**, pp: 1-38.

- Chaleby, K. (1985) Women of polygamous marriages in inpatient psychiatric services in Kuwait. **Journal of Nervous and Mental Disease**, 173(1), 56–58.
- Cummings, E. M. , Zuhn-waxler, C. & Radke-Yarrow, M. (1984) Developmental change sin children’s reactions to anger in the home. **Journal of Child Psychology and Psychiatry and Allied Disciplines**, 25, 63–74.
- Davies, P. T. , Myers, R. L. & Cummings , M. E. (1996) Responses of children and adolescents to marital conflict scenarios as a function of the emotionality of conflict endings. Merrill-Palmer Quarterly, 42, 1–21. review of the literature. **Clinical Child and Family Psychology Review**, 5(4), 255–271.
- Dixon, R. (1971) Explaining Cross Cultural Variations in Age at Marriage and Proportions Never Marrying, **Population Studies**, 25(2): pp. 215-233.
- Elbedour, S. Bart, W. M. & Hektner, J. (2000) Scholastic achievement and family marital structure: Bedouin Arab adolescents from monogamous and polygamous families among Bedouin Arabs in Israel. **Journal of Social Psychology**, 140, 503–515.
- Elbedour, S. , Onwuegbuzie, A. J. , CarIdine, C. & Abu-Saad, H. (2002). The effect of polygamous marital structure on behavioral, emotional, and academic adjustment in children: a comprehensive review of the literature. **Clinical Child and Family Psychology Review**, 5(4), 255–257.
- El-sheikh, M. (1994) Children’s emotional and physiological response to interfaculty angry behavior: the Role history of inter parental hostility. **Journal of Abnormal Child Psychology**, 22, 661–678.
- Emery, R. e. & O’learY, K. D. (1982) Children’s perceptions of marital discord and behavioral problems of boys and girls. **Journal of Abnormal Child Psychology**, 10, 11–24.
- Engfer , A. (1988) **The interrelatedness of marriage and the mother-child relationship**. In Relationships within Families: Marital Influences (ends R. A. Hindi. Stevenson-Hindi, pp. 104–118). Oxford: Clarendon Press.
- Epstein , N. B. , Baldwin, M. N. & Bishop, D. S. (1983) The McMaster Family Assessment Device. **Journal of Marital and Family Therapy**, 9, 171–180.
- Gage-Brandon, A. J. (1992) The polygon-divorce relationship: a case study of Nigeria. **Journal of Marriage and Family**, 54, 285–293.
- Hartung, J. (1992) Polygon and inheritance of wealth. **Current**

- Anthropology**, 23, 1–12.
- Hassouneh-philips , D. (2001) American Muslim women's experiences of leaving abusive relationships. **Health Care for Women International**, 22(4), 415–432.
 - Heaton, T. & Hirschl, T. A. (1999) the trajectory of family changes in Nigeria. **Journal of Comparative. Family Studies**, 30(1), 35–55.
 - Katz, L. F. & Guttman , J. M. (1993) Patterns of marital conflict predict children's internalizing and externalizing behaviors. **Developmental Psychology**, 29, 940–950.
 - Klomegh R (1997) Socio-economic characteristics of Ghanaian women in polygynous marriages. **Comp Fam Stud** 28(1): 73–88.
 - Lesthaeghe, R (1983) A Century of Demographic and Cultural Change in Western Europe: **An Exploration of Underlying Dimensions. Population and Development Review** 9(3): 411-436.
 - Low, B. S. (1988) Measures of polygon in humans. **Current Anthropology**, 29(1), 189–194.
 - Lughod, L. (1986) *Veiled Sentiments: Honor and Poetry in a Bedouin Society*. Cairo: **The American University in Cairo Press**.
 - Maziak, M. , Asfar, T. , Mzayek, F. , Fouad, F. M. & kilzleh, N. (2002) Socio-demographic correlates of psychiatric morbidity among low-income women in Aleppo, Syria. **Social Science and Medicine**, 54, 1419–1427.
 - McDonald, P. (2006) Low Fertility and the State: The Efficacy of Policy, **Population and Development Review** 32(3).
 - Mensch, B. S, S. Singh, and J. B. Casterline (2005) Trends in the Timing of First Marriage Among Men and Women in the Developing World. Policy Research Division Working Papers, New York: Population Council. No. 202.
 - Morgan, D. (1992) Marriage and Society: Understanding an Era of Change. In J. Lewis, D. Clark, D. Morgan (Eds.) **Whom God Hath Joined Together**, London: Routledge. J.
 - Nevadomsky, J. (1991) Attitudes of Nigerian students toward marriage **and family relationships**. *International*
 - Racy, J. (1980) Summarization in Saudi women: a therapeutic challenge. *British Journal of Psychiatry*, 137, 212–216
 - Reynolds J, and P. Mansfield (1999) The Effect of Changing Attitudes to Marriage on Its Stability. In High Divorce Rates: **The State of the Evidence on Reasons and Remedies**. Vol, 1. London: The Lord Chancellors Department Research Secretariat.
 - Stone, L. (1979) *The Family, Sex and Marriage in England 1500-*

1800, Harmondsworth: Penguin.

- Thornton, A, G. Binstock, and D. Ghimire (2004) International Networks, Ideas, and Family Change. **PSC Research Report** 04-566. October 2004.
- Thornton, A. (2001) The Developmental Paradigm, Reading History Sideways, and Family Change. **Demography** 38(4): 449-465.
- White DR, Burton ML (1988) Causes of polygyny: ecology, economy, kinship, and warfare. *Am Anthropol* 90(4): 871-887.